با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

تبعات قطعی سامانه پیامک عدل ایران نباید به پای مردم گذاشته شود

در ایام نوروز سامانه پیامکی عدل ایران مربوط به قوه قضاییه قطع بود به همین دلیل مهلت رفع نقص درخصوص بسیاری از دادخواست‌ها منقضی شد و هزینه‌های سنگین دادرسی پرداختی مردم در معرض تضییع اســت. واحد انفورماتیک مجتمع‌های قضایی نیز این موضــوع را تأیید می‌کنند اما از ارائه گواهی خودداری می‌کنند که بسیار برای مردم و وکلا دردسرساز است. تقاضا می‌شود مســئولان تدبیری در این خصوص داشته باشــند و فرصتی دوباره به پرونده‌های آن مقطع برای رفع نقص بدهند.

وکیل دادگستری از تهران

شهر فسا نیازمند پارک‌ها و فضای سبز بیشتری است

شهرفسا در استان فارس با حدود ۲۰۰هزار نفر جمعیت از تعداد پارک‌ها و فضای سبز کافی برخوردار نیست و در واقع میزان فضای سبز این شهر هیچ تناسبی با جمعیت آن ندارد. معدود پارک‌هایی هم که وجود دارد به حال خود رها شده و به آنها رسیدگی نمی‌شود. درحالی که این شهر امکان و ظرفیت احداث چندین پارک بزرگ را دارد که هم به بهتر شدن هوای شهر کمک می‌کند و هم مکانی برای تفریح و دور هم جمع شدن خانواده‌ها خواهد شد.

مرادی از فسا

اتوبان کرج-قزوین از محدوده کوهسار تا هشتگرد خاموش است

تاریکی مسیر در محدوده کوهســار تا هشتگرد در اتوبان کرج-قزوین می‌تواند بســیار خطرناک باشــد زیرا اطراف این محدوده هم نور کافی نیســت و تاریکی مطلق عواقب نگران‌کننده‌ای خواهد داشت. تقاضا می‌شود مسئولان نسبت به تامین نور در این محدوده اقدام کنند.

حیدری از هشتگرد

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

جاده بهشت‌زهرا(س) نیازمند نصب پل عابر پیاده است

بسیاری از کسانی که برای زیارت اهل قبور به بهشت‌زهرا(س) می‌روند وسیله شخصی ندارند و با وسایل حمل‌ونقل عمومی تردد می‌کننــد و ناگزیر به عبــور از عرض جاده هســتند درحالی‌که در مسیرهای منتهی به بهشت زهرا به اندازه کافی پل عابر تعبیه نشده است. به همین علت لازم است چند پل عابر پیاده مخصوصا روی جاده دو بانده قدیم تهران-قم نصب شود تا خدای ناکرده جان افراد بیشتری به خطر نیفتد.

سلیمان از تهران

اساس پرداخت وام مسکن ملی سود بانک است یا مردم

مگر نه اینکه قرار بود با طرح مســکن ملی افراد بی‌بضاعت و کم‌درآمد صاحب خانه شــوند ولی در عمل به‌نظر می‌رسد این طرح برای افراد متمول طراحی شده است. چندی قبل برایمان پیامک آمد که برای امضا قرارداد به بانک مســکن برویم. آنجا متوجه شــدیم برای وام ۴۰۰ میلیونی با اقساط ماهی ۸ میلیون تومان درمــاه مواجهیم که این رقم طی ۱۰ ســال می‌شــود یک میلیارد و هفتصد میلیون. با این ارقام می‌خواهند مردم را خانه‌دار کننــد. من با حقوق ۷میلیونی چگونه ماهی ۸میلیون قسط بدهم درحالی که اجاره خانه و خرج همسر و فرزندانم هم هست؟ جدای آن چگونه اقساط قبلی را که برای تامین آورده اولیه ایجاد شــده‌اند بپردازیم. به‌نظر می‌رسد این طرح برای سود بانک مسکن باشد تا مردم!

صدارتی از تهران

واردات تنها راه کاهش و تعدیل قیمت خودروست

راه‌حل فوری برای تخلیه حباب قیمت خودرو، واردات است. اگر واردات سریع، فوری و انقلابی خودروهای کارکرده مثل گوشی مسافری توسط اشــخاص حقیقی صورت گیرد و از طرفی عرضه خودروهای تولیدی در بورس کالا صورت گیرد قطعا قیمت خودرو کاهشی می‌شود.

جوانمرد از کرمان

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

کندی سیستم پلیس +۱۰ و قطع سیستم

سیستم الکترونیک پلیس+۱۰ بســیار کند است که گاهی با قطعی سیستم و کندی روبه‌روست. حتی برای بارگذاری یک عکس حداقل نیم ســاعت زمان نیاز است. واقعا چنین سیستم و سرعتی درشأن پلیس خدمتگزار نیست و جا دارد مسئولان فکری اساسی برای یکی از مهم‌ترین و امنیتی‌ترین سیستم‌های ارائه خدمت به مردم بپردازند.

منشی‌زاده از تهران

کار در اسنپ برای رانندگان دویدن روی تردمیل است

درحالی‌که صبح تا شب کار می‌کنیم و مجبوریم ۱۵ تا ۲۰درصد هم به اسنپ پورسانت بدهیم کافی است خودرو مشکلی پیدا کند تا همه درآمد آن روز و روزهای بعد صرف تعمیرات شود. جدای اینها رقم کرایه اســنپ بسیار کم اســت و اصلا کفاف هزینه‌های رانندگان را نمی‌دهد. به‌گونه‌ای که حقوق مردم هم رعایت شود فکری برای رانندگان اسنپ بکنند.

یحیایی از مشهد

کارت منزلت بازنشستگان ناکارآمد است

کارتی به‌عنوان کارت منزلت به بازنشســتگان بالای ۶۵ســال ارائه می‌شود که بیشتر تزیینی اســت تا خدماتی! نه حقوقمان کفاف هزینه‌های زندگی را می‌دهد، نــه خدماتِ درمانی خوبی می‌گیریم و نه هیچ‌کدام از این خدماتِ رفاهی که برایمان درنظر گرفته‌اند، دردی از ما دوا می‌کند. از حدود ۱۰سال قبل مقرر شد به بازنشستگان کارت منزلت تعلق بگیرد که بتوانند از آن در مترو و اتوبوس و موزه‌ها و... استفاده کنند. آن زمان با شارژ ۱۵۰هزار تومانی که با پرداخــت ۱۵هزار تومان انجام می‌شــد، کارهای مختلفی قابل انجام بود زیرا هزینه‌ها اینقدر بالا نبود ولی اکنون با گذشته یک دهه رقم شارژ همان ۱۵۰هزار تومان است و برای تحویل و شارژ هم برخوردهای نامناسبی با بازنشستگان می‌شود.

قاسمی از تهران

جزئیات دستگیری ۲باند سرقت و اخاذی با تلاش پلیس آگاهی تهران

مالباخته خبر نداشت دزد به خانه‌اش زده است

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

«دزدانی که به خانه شــما دستبرد زده‌اند، دســتگیر شده‌اند، لطفا برای تحویــل اموالتان بــه اداره پلیس مراجعــه کنید.» آقای دکتر وقتی این جملات را از پشت تلفن شنید، شوکه شد. او و خانواده‌اش در تعطیلات نوروز به کربلا سفر کرده و هنوز در آنجا بودند که افسر یکی از ادارات پلیس آگاهی تهران با آنها تماس گرفت و این خبر را به آنها داد؛ این در حالی بود که دکتر میانسال و خانواده‌اش حتی خبر نداشتند که خانه‌شان را دزد زده است.

به گزارش همشهری، از چندی قبل گزارش دستبرد سریالی به خانه‌های پایتخت در اختیار مأمــوران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت و تیمی از مأموران، تحقیقات برای شناســایی و بازداشت متهمان را آغاز کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که سارقان با تخریب حفاظ، وارد خانه‌ها شده و اموال قیمتی مانند پول، طلا، دلار و... را سرقت کرده بودند. بررســی تصاویر دوربین‌ها نشان می‌داد که آنها در تمام سرقت‌ها صورت‌هایشان را می‌پوشاندند و کلاه به سر داشتند تا شناسایی نشوند. از طرفی اعضای این باند در همه سرقت‌هایشان وقتی وارد خانه‌ها می‌شدند پشت در مبل و صندلی قرار می‌دادند تا صاحبخانه نتواند وارد شود و خودشان از طریق پنجره فرار می‌کردند.

تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل مأموران پلیــس در حوالی بازار به سرنشــینان خودرویی مشکوک شــدند. این خودرو توقیف و در بازرسی از آن، مقداری دلار، طلا، لوازم آنتیک به همراه کلاه، دستکش و تجهیزاتی که به‌نظر می‌رسید در ســرقت از منازل به‌کار برده می‌شود، کشف شد. اگرچه سرنشــینان خودرو اصرار بر بی‌گناهی داشتند، اما پس از انتقال به اداره پلیس لب به اعتراف گشــودند و به سرقت سریالی از خانه‌ها اقرار کردند. این افراد، همان سارقانی بودند که پشت در خانه طعمه‌هایشان مبل و صندلی قرار می‌دادند تا آنها نتوانند وارد خانه شوند. متهمان برای انجام تحقیق به اداره آگاهی تهران منتقل شدند و با توجه به کشف اموال مسروقه از مخفیگاه آنها، مأموران یک‌به‌یک با مالباخته‌ها تماس می‌گرفتند و از آنها می‌خواستند که برای تحویل گرفتن مدارک و اموال خود به اداره آگاهی مراجعه کنند. یکی از مالباخته‌ها پزشک میانسالی بود که به همراه خانواده‌اش به کربلا ســفر کرده بود. او حتی از ماجرای سرقت هم خبر نداشت و وقتی افسر پرونده با وی تماس گرفت، از شنیدن خبر سرقت از خانه‌اش و دستگیری دزدان شوکه شد.

ســرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران با اعلام این خبر گفت: این باند ۶عضو دارد که همه آنها ســابقه‌دار و ساکن یکی از استان‌های غربی کشور هستند. به‌گفته وی، در جریان عملیات دستگیری، متهمان که اسلحه داشتند با مأموران درگیر شدند، اما در نهایت مأموران موفق شدند آنها را خلع سلاح و دستگیرشان کنند. متهمان در بازجویی‌ها به ۴۰فقره سرقت اعتراف کردند و به بازسازی صحنه سرقت‌ها پرداختند.

ســرهنگ گــودرزی افــزود: متهمــان از هــر خانــه بالای یک‌میلیارد تومان سرقت کرده‌اند و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره هفدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند. رئیس پلیس آگاهی تهران افزود: همکارانم علاوه بر دستگیری اعضای این باند، ۲ســارق دیگر را نیز بازداشت کردند که تحت عنوان مأمور دست به ســرقت موتور و خودرو می‌زدند. باند دوم با بازی در نقش مأمور سراغ خودروها و موتورهایی که پلاک‌شان مخدوش بود، می‌رفتند و با فریب آنها، نقشه سرقت‌هایشان را اجرا می‌کردند. وی افزود: تاکنون ۵دستگاه خودرو و ۲موتورسیکلت مسروقه در مخفیگاه اعضای باند شناسایی شده و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

شاکیان در اداره آگاهی تهران

صبح دیروز اعضای باند سارقان به اداره آگاهی تهران منتقل شدند و علاوه بر متهمان، شاکیان هم حضور داشتند. یکی از آنها همان پزشکی بود که دزدان بیش از ۷میلیارد تومان اموال خانه‌اش را به سرقت برده بودند. وی که پزشک یکی از بیمارستان‌های تهران است گفت: چند روز قبل از عید به همراه خانواده‌ام به کربلا سفر کردیم. در سفر بودم که موبایلم زنگ زد و وقتی جواب دادم، افسر پلیس عنوان کرد که سارقان خانه‌ام دستگیر شده‌اند. من تا چند دقیقه شــوکه بودم و فکر می‌کردم اشتباهی شده است. وقتی از سرقت مطمئن شدم، برگشتیم و با خانه‌ای به‌هم ریخته روبه‌رو شدیم. سارقان با جک و تجهیزات حفاظ خانه‌ام را تخریب کرده و توانسته بودند طلا و جواهرات، سکه، دلار و ۵۰میلیون تومان پول نقد سرقت کنند و خوشبختانه همه آنها دستگیر شده‌اند.

گفت‌وگو

پشیمانی تازه‌داماد

سرکرده باند سرقت ۲۸ســال دارد. او قرار بود در تعطیلات عیدفطر پای سفره عقد بنشیند اما حالا مانده چطور برای عروس و خانواده‌اش توضیح دهد که به جرم سرقت دستگیر شده است.

با اینکه مراسم ازدواجت نزدیک بود نقشه سرقت کشیدی؟

باور کنید بعد از هر بار سرقت، حالم بد می‌شد. دلم نمی‌خواست این کار را انجام بدهم، اما من ناخواسته وارد این بازی شدم. هر بار هم نامه می‌نوشــتم و از خودم و خدا به‌خاطر سرقت‌هایی که مرتکب می‌شدم، معذرت‌خواهی می‌کردم.

اما باز ادامه می‌دادی؟

راستش بار قبلی که گیر افتادم محکوم شدم به رد مال. آن موقع به خاطر اصرار دوستانم وارد این کار شدم و بعد از سرقت از چند خانه دستگیر شــدم. اما باید رد مال می‌کردم چون مبلغ بالا بود تصمیم گرفتم چند تا ســرقت کنم و پول شاکیان قبلی را بدهم و بعد توبه کنم.

با چه شگردی سرقت می‌کردید؟

در مناطق شمال، شمال‌غرب و مرکز تهران پرسه می‌زدیم و به محض شناسایی خانه‌ای که چراغش خاموش بود، وارد آنجا می‌شدیم. برای شکستن قفل یا حفاظ پنجره‌ها تجهیزات لازم را داشتیم و پس از ورود هم مبلی پشت در قرار می‌دادیم که کسی نتواند وارد شود. چون یک‌بار زمانی که در حال سرقت بودیم، صاحب خانه رسید و شانس آوردیم که توانستیم فرار کنیم.

با اعضای گروه چطور آشنا شدی؟

همه ما اهل شهرستانیم. برای هر سرقت، از شهرستان راهی تهران می‌شدیم. چیزی حدود ۶یا ۷ساعت در راه بودیم. پس از اینکه به پایتخت می‌رسیدیم، به‌صورت رندم خانه‌ها را انتخاب کرده و بعد از سرقت دوباره به شهرستان‌مان برمی‌گشتیم.

مراسم ازدواجت کی است؟

قرار بود در تعطیلات عید فطر باشد. کارت‌های عروسی را پخش و خیلی خرج کرده‌ام. اصلا نمی‌دانم با چه رویی با همسرم تماس بگیرم و بگویم عروسی کنسل شده است.

او خبر نداشت که سرقت می‌کنی؟

مگر می‌شود خبر داشته باشد و اعتراضی نکند؟ او نمی‌دانست. فکر می‌کرد برای کار به تهران می‌آیم و دست پر برمی‌گردم. بنده خدا خبر نداشت که دزدی می‌کنم و یک باند سرقت تشکیل داده‌ام. راستش من ورزشکارم و در شهرمان برای خودم برو و بیایی دارم. بوکسور هستم و چند سال قبل بدنسازی هم کار می‌کردم. حالا که دستگیر شده‌ام به‌شدت پشیمانم. می‌دانم که اشتباه کرده‌ام و ای کاش می‌شد زمان به عقب برمی‌گشت و من هرگز فریب دوستانم را نمی‌خوردم.

مکث

باند دوم

دومین باند که به‌تازگی از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی تهران دستگیر شده‌اند، خود را مأمور معرفی می‌کردند و دست به سرقت خودروها و موتورسیکلت‌ها می‌زدند.

یکی از شاکیان که در اداره آگاهی حاضر شده بود، درباره جزئیات سرقت گفت: سوار بر موتورم در حوالی نــواب بودم که مردی جــوان از من خواست توقف کنم. او مدعی شد مأمور اطلاعات است و پرسید چرا پلاک موتورت را پوشانده‌ای؟ او می‌گفت که این کار جرم است و باید همراه او به اداره بروم. بعد پشت فرمان موتورم نشست تا با هم به اداره برویم. شاکی ادامه داد: در بین راه التماس می‌کردم که مرا به اداره نبرد و موتورم را توقیف نکند. در نهایت مقابل یک پاساژ توقف کرد و گفت بروم از داخل پاساژ وسیله‌ای برای او بخرم تا بی‌خیال شود. من هم از موتورم پیاده شدم، اما وقتی برگشــتم دیدم خبری از مأمور نیست. او موتورم را دزدیده و فرار کرده بود.

کمی آن طرف‌تر از شاکی، متهمی که نقش مأمور را بازی کرده، ایستاده اســت. سرش را پایین انداخته و می‌گوید پشیمان است. گفت‌وگو با او را می‌خوانید:

در سرقت‌ها اسلحه داشتید؟

اسلحه ما قلابی بود. یک تفنگ بادی هم داشتیم به همراه تجهیزات کامل نظامی مانند دستبند، گاز اشک‌آور و....

انگیزه‌ات از این سرقت‌ها چه بود؟

من بیشتر هیجان این کار را دوست داشتم. همین که می‌توانستم نقش مأمور را بازی کنم حس خوبی به من می‌داد؛ حس برتری و قدرت.

مدارک از کجا آوردید؟

جعلی بود. از طریق فتوشاپ، یک کارت برای خودم درست کرده بودم.

از شگردهایتان برای سرقت‌ها بگو؟

من با دوستم این نقشــه‌ها را اجرا می‌کردیم. من نقش پلیس را بازی می‌کــردم و به‌عنوان مأمور جلوی ماشــین‌های ۲۰۶ و موتورســیکلت‌ها را می‌گرفتم. کارت نشان راننده‌ها می‌دادم و آنقدر خوب و با اعتماد به نفس صحبــت می‌کردم که هیچ‌کدام از آنها مشــکوک نمی‌شــدند. حتی وقتی سوار ماشــین طعمه‌هایم می‌شدم از آنها می‌خواســتم از خط ویژه بروند و هر وقت پلیس می‌دیدیم برایشان بوق می‌زدیم و من کارتم را از دور نشــان می‌دادم و طوری وانمود می‌کردم که انگار همکارشان هستم.

چه شد که دستتان رو شد و به دام پلیس افتادید؟

با یک خودروی ســرقتی رفته بودیم شمال برای تفریح که در آنجا پلیس به ما مشکوک شد و پس از استعلام فهمیدند ماشین سرقتی است و به این ترتیب دستگیر شدیم.

۲مظنون جنایات هولناک آباده دستگیر شدند

اعتراف در یک قتل؛ سکوت در قتل دوم

جنایی

به‌دنبال قتل هولناک ۲زن میانسال در شهرستان آباده و به‌وجود آمدن جوی از ترس و وحشت در این شهر، پلیس موفق به دستگیری ۲مظنون اصلی این جنایات شد.

به گزارش همشهری، قتل هولناک ۲ زن در ۲ هفته اخیر در شهرستان آباده، موجی از ترس و وحشت را در این شهر به‌ویژه میان زنان و دختران به‌وجود آورده است تا جایی که در روزهای گذشته برخی از زنان از ترس از خانه‌هایشان خارج نشدند و همه امیدشان این بود که پلیس هر چه زودتر عامل یا عاملان این جنایات را دستگیر کند.

نقطه شروع این ماجرا، گم شدن زنی حدودا ۶۰ساله در آباده بود؛ زنی کــه به‌گفته خانواده‌اش برای انجام کاری از خانه خــارج و پس از آن ناپدید شــده بود. خانواده این زن برای پیدا کردن او همه‌جا را گشتند تا اینکه جسد غرق خون زنی در یکی از خیابان‌ها پیدا شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که جسد متعلق به همان زن گمشده است اما اینکه وی توسط چه کسی و با چه انگیزه‌ای به قتل رسیده، سؤالی بود که پاسخی برای آن وجود نداشت. در این شرایط تیمی از کارآگاهان جنایی برای دستگیری عامل یا عاملان جنایت وارد عمل شدند تا اینکه چند روز بعد اتفاقی مشابه رخ داد.

این بار زنی ۵۵ساله که برای انجام کارهای اداری از خانه‌شان خارج شــده بود، ناپدید شده و اثری از وی نبود. با ناپدید شــدن دومین زن، حساسیت ماجرا دوچندان شد. خصوصا اینکه هر دو زن میانسال بودند و هیچ اختلاف و مشکلی با خانواده‌هایشان نداشتند و زندگی کاملا عادی و معمولی‌ای در کنار همســر و فرزندانشان داشتند.

جنایت هولناک

عصر همان روزی که زن ۵۵ساله گم شد، در یکی از جاده‌های خارج از شــهر آباده نیم‌تنه زنی پیدا شد. نیم‌تنه‌ای بدون سر و دســت و پا که قابل شناسایی نبود. بررسی‌ها نشان می‌داد که عامل یا عاملان این جنایت، پس از قتل این زن جسد او را مثله و نیمه‌تنه وی را در جاده‌ای در اطراف شهر رها کرده بودند. خبر پیدا شدن این جسد مثل بمب در شهر صدا کرد. به سرعت برق سیلی از شایعات در کوچه‌پس‌کوچه‌های آباده به جریان افتاد و موجی از ترس و وحشت را میان مردم، مخصوصا زنان به‌وجود آورد. زنی جوان که یکی از ساکنان آباده است می‌گوید: من در همسایگی یکی از زنانی زندگی می‌کنم که به قتل رسیده است. باورتان نمی‌شود پس از این حوادث، چه شایعات هولناکی در شهر پیچیده. عده‌ای می‌گویند که تعداد زنانی که به قتل رسیده‌اند ۴نفرند و برخی می‌گفتند که قاتلان به زنانی حمله می‌کنند که تنها از خانه خارج می‌شوند. وی ادامه می‌دهد: شــاید باورتان نشــود اما همین شایعات باعث شــده که از ۳یا ۴روز قبل، خودم را در خانه حبس کنم و جرأت بیرون رفتن از خانه را نداشته باشم. حتی چند نفر از دوستانم هم وضعیتی مثل من دارند و همه ما امیدواریم که عاملان این جنایات هر چه زودتر دستگیر شوند.

دستگیری ۲مظنون

شواهد زیادی وجود داشت که نشــان می‌داد هر دو جنایتی که در آباده رخ داده‌اند بــا هم ارتباط دارند و از ســوی یک نفر یا یک بانــد رخ داده‌اند. هر چند از نخســتین قربانی مقداری طلا ســرقت شده بود، اما دومین قربانی هیچ وســیله باارزشی همراه خود نداشت و معلوم نبود که انگیزه این جنایات سرقت یا چیز دیگری است. در این شرایط تیم‌های ویژه‌ای از کارآگاهان جنایی استان فارس نیز وارد ماجرا شدند و بررسی‌های تخصصی و رصد دوربین‌های مداربسته و تحقیق از شاهدان به‌طور گسترده‌ای ادامه یافت تا اینکه نخستین سرنخ‌ها به‌دست آمد؛ سرنخ‌هایی از ۲مرد که پلیس احتمال می‌داد در این جنایات نقش دارند. به این ترتیب دستور بازداشت هر دوی آنها صادر شد و تیم‌های عملیاتی با محاصره مخفیگاه این دو نفر در نقاط مختلف شهر، موفق شدند شامگاه دوشنبه هر دوی آنها را دستگیر کنند. آنها پس از دستگیری به اداره آگاهی منتقل شدند و یکی از آنها در تحقیقات به قتل یک زن و مثله کردن جسد او اعتراف کرد اما هر دو مظنون در برابر قتل دوم سکوت کرده‌اند. تحقیق از آنها برای کشف اسرار جنایات هولناک آباده ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

حکم تازه در پرونده قاتلان شهید عجمیان

قضات دادگاه انقلاب اسلامی کرج بعد از برگزاری دومین دور از محاکمه متهمان قتل شهید سیدروح‌الله عجمیان، همگی آنها را مجرم تشخیص داده و به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم کردند.

به گزارش همشــهری، روز ۱۲ آبان‌ماه ســال ۱۴۰۱ در جریان ناآرامی و درگیری‌های کرج، روح‌الله عجمیان بسیجی ۲۸ساله حوزه ۴۱۷ کمال‌شهر با ضربات چاقو به شهادت رسید. در گواهی پزشکی قانونی درباره علت شهادت شهید عجمیان آمده است: علت تامه فوت، نارسایی حاد قلبی به‌دنبال خونریزی شدید داخلی متعاقب برخورد تقریبا همزمان جسم برنده و نوک تیز (چاقو) به قفسه صدری و جسم سخت به پهلوی راست است.

به‌دنبال این حادثه تلخ ۱۶ نفر به‌اتهام دست داشتن در این جنایت بازداشت و در شــعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی کرج محاکمه شدند. پس از برگزاری چندین جلســه محاکمه ۲ نفر از آنها به نام‌های سیدمحمد حسینی و محمدمهدی کرمی که نقش‌شان در شهادت سیدروح‌الله عجمیان محرز بود به اتهام افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شدند که حکم آنها بعد از تأیید در دیوان‌عالی کشور اجرا شد. با وجود این پرونده ۱۴متهم دیگر از سوی دیوان به دادگاه فرستاده شد تا آنها برای دومین مرتبه محاکمه شوند.

در دومین دور از محاکمه عاملان شهادت شهید عجمیان، چندین جلسه برای رسیدگی به پرونده تشکیل شد تا اینکه پس از اخذ آخرین دفاع از متهمان و ختم دادرسی، قضات دادگاه رأی خود را در این‌باره اعلام کردند.

حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگســتری استان البرز درباره جزئیات این حکم گفت: جلسات دادگاه برای ۱۴ متهم با حضور متهمان و وکلای انتخابی آنها برگزار شد و بعد از رسیدگی و اعطای مهلت برای ارسال لوایح تکمیلی از سوی وکلا، در نهایت حکم پرونده صادر و ابلاغ شد. او ادامه داد: بر اساس حکم دادگاه، برای ۱۱ متهم این پرونده حسب مورد ۱۰، ۵، ۳، و ۱۵ سال حبس صادر شده است.

او درباره مجازات هر یک از محکومان گفت: براساس حکم صادره حمید قره‌حسنلو به ۱۵ سال حبس، رضا آریا، حسین محمدی، مهدی محمــدی و آرین فرزام نیا هر کدام به ۱۰ ســال حبس، محمدامین اخلاقی ساوجبلاغی، امین‌مهدی شکراللهی، فرزانه قره‌حسنلو هر کدام به ۵ سال حبس و شایان چارانی و امیرمحمد جعفری و علی معظمی گودرزی به ۳ سال حبس محکوم شدند.

فاضلی هریکندی ادامه داد: در رسیدگی مجدد به پرونده، عنوان اتهامی ۳ نفر از متهمان به نام‌های بهراد علی کناری، جواد زرگران و رضا شاکر زواردهی از افساد فی‌الارض به اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام تغییر پیدا کرد. باتوجه به اینکه بلافاصله پس از ابلاغ عفو مقام معظم رهبری تمام متهمان پرونده به‌صورت کتبی ابراز ندامت کرده و تعهد به عدم‌تکرار جرایم مشــابه دادند، با توجه به نوع و عنوان اتهام، این ۳ متهم مشــمول عفو مقام معظم رهبری شده و قرار موقوفی تعقیب در مورد آنها صادر و امروز (سه‌شنبه) آزاد شدند.

به‌گفته رئیس کل دادگســتری اســتان البرز احکام صادر شده غیرقطعی بوده و ظرف مهلت قانونی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

مامور پلیس فرشته نجات مرد بیمار شد

مامور پلیس راهور وقتی دید یکی از شهروندان در خیابان روی زمین افتاده و دچار تشنج شده است به کمک او شتافت و توانست با انجام بموقع کمک‌های اولیه جان او را نجات دهد.

به گزارش همشــهری، این حادثــه چند روز قبــل در یکی از خیابان‌های شهر خرمدره، واقع در اســتان زنجان اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود کــه یکی از مأموران پلیــس راهور به نام ستوان‌یکم حمید کردبچه در حال انجام وظیفه بود که ناگهان یکی از شهروندان را دید که روی زمین افتاد و دچار تشنج شد. این حادثه در شرایطی اتفاق افتاد که رهگذران از دیدن این صحنه دست و پای‌شان را گم کرده بودند و نمی‌دانستند که باید چه کار کنند. در چنین وضعیتی بود که ستوان کردبچه دوان دوان خود را بالای سر این شهروند رســاند و تلاش کرد راه تنفس او را که مسدود شده بود باز کرده و او را نجات دهد. درحالی که شهروندان همزمان با این حادثه از اورژانس کمک خواسته بودند این مأمور وظیفه‌شناس با اســتفاده از مهارت کمک‌های اولیه موفق شد شهروند حادثه دیده را از مرگ نجات دهد و در ادامه او برای انجام درمان به بیمارستان منتقل شد.

این حادثه درست مقابل دوربین مداربسته یک مغازه اتفاق افتاده بود و همه‌چیز لحظه به لحظه ضبط شده بود که انتشار این فیلم کوتاه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت و کاربران به تقدیر از اقدام این پلیس وظیفه‌شناس پرداختند.

ستوان کردبچه درباره آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: این شهروند در حال خرید عطر از یک دســتفروش بود. گویا به بوی عطر حساسیت داشت و بعد از استشمام چند عطر ناگهان به زمین افتاد. من که شاهد این صحنه بودم سریع خودم را بالای سرش رساندم. صورت و لب او در حال کبود شدن بود و تنفس‌اش هر لحظه کمتر می‌شد. به همین دلیل من او را به پهلو برگرداندم و با وســیله‌ای که دم دستم بود، راه تنفســی‌اش را باز کردم و خوشبختانه نفس‌اش برگشت و سریع به اورژانس اطلاع دادیم و به بیمارستان منتقل شد.

در همین حال، ســرهنگ هادی نــوروزی، فرمانــده انتظامی شهرســتان خرمدره گفت: در چند سال گذشــته بارها و بارها شــهروندان مختلــف در تماس بــا ســامانه ۱۹۷ از اقدامات و وظیفه‌شناســی این مأمور راهنمایی و رانندگی تقدیر و تشکر کرده‌اند. او محبوبیت خاصی در بین مردم شهرســتان خرمدره دارد و همواره مدیران این افســر از انضباط و وظیفه‌شناسی این افسر تقدیر کرده‌اند.